

بررسی عوامل شکل دهنده به سیاست

هسته‌ای دولت اعتدال

بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا

الهام رسولی ثانی آبادی*

سیدمحسن میرحسینی**

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال، بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا است. وی که در مدل‌های نظری تجزیه و تحلیل سیاست خارجی نماینده تلفیق دو سطح تحلیل خرد و کلان به شمار می‌رود، بر این باور است که در بررسی و تحلیل سیاست خارجی هر کشوری بایستی به پنج دسته متغیرهای اصلی فرد، نقش، حکومت، جامعه و در نهایت نظام بین‌الملل توجه شود. در همین راستا ما ابتدا در مبحث اول این مقاله به بررسی اجزای رهبرانی‌های خرد و کلان در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها خواهیم پرداخت، سپس در مبحث دوم به ارائه چهارچوب نظری بحث یعنی مدل پیوستگی روزنا می‌پردازیم، سپس در مبحث پایانی این مقاله به بررسی سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت اعتدال (ریاست‌جمهوری آقای روحانی) خواهیم پرداخت. در این مبحث به تفصیل اشاره خواهیم کرد که در راستای فهم کامل این سیاست هسته‌ای بایستی به نقش افراد تصمیم گیرنده و باورهای ذهنی آنها (برداشت‌های آقای روحانی، ظرفیت و تیم مذاکره کننده)، نقشی که آنها ایفا می‌کنند (نقش ریاست جمهوری، وزیر امور خارجه و...) نوع نظام سیاسی و برداشت از نقش آن (نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر عنصر اسلامیت) جامعه (نقش افکار عمومی و جهت‌گیری‌های ارزشی عمده) و در نهایت متغیرهای محیطی در عرصه نظام بین‌الملل بسیار مهم است. این پژوهش یک پژوهش تحلیلی توصیفی بوده و روش گردآوری اطلاعات در آن از طریق استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مجازی است.

واژگان کلیدی

روزنا، جمهوری اسلامی ایران، سیاست هسته‌ای، دولت یازدهم

Email: Rasooli@yazd.ac.ir

Email: mmirhosaini@yazd.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۱

فصلنامه راهبرد / سال بیست و سوم / شماره ۷۴ / بهار ۱۳۹۴ / صص ۲۳۵-۲۵۰

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

تاریخ ارسال: ۹۳/۹/۶

جستارگشایی

شروع دوره ریاست جمهوری دکتر حسن روحانی مصادف با دهمین سال مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای غربی به حساب می‌آید. ورود حسن روحانی در نقش رئیس‌جمهور ایران در شرایطی صورت گرفت که در طول این سال‌ها دستاورد قابل ملاحظه‌ای در مذاکرات هسته‌ای حاصل نشد و تنها تغییر، تبدیل طرف مذاکره‌کننده با ایران از نمایندگان ۳ کشور آلمان، فرانسه و انگلیس؛ به نمایندگان ۵ عضو دائم شورای امنیت به‌علاوه آلمان بود.

روی کار آمدن دولت یازدهم منجر به ادامه مذاکرات هسته‌ای در قالب مذاکرات دولت ایران با اعضای گروه ۵+۱ در قالب مذاکرات نیویورک، مذاکرات ژنو (۴، ۵ و ۶) و در نهایت رسیدن به توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته‌ای ایران^۱ در سوم آذر ۱۳۹۲، برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ شد. براساس این توافق‌نامه که برای رسیدن به یک راه‌حل جامع بلندمدت و مورد توافق طرفین و با هدف تضمین نمودن صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران امضا و طرفین به صورت داوطلبانه متعهد شدند تا اقدامات متقابلی را به عنوان گام اول یک راه‌حل جامع انجام دهند. بنابراین توافق قرارشد ایران برنامه هسته‌ای خود و غنی‌سازی اورانیوم را به شکلی محدود ادامه داده و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر تأسیسات خود تسهیل نماید. طرف مقابل نیز مقرر شد بخشی از تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران را تعلیق کرده و از وضع تحریم‌های جدید اعم از بین‌المللی، چندجانبه و یک‌جانبه خودداری نماید^(۱).

فارغ از این توافقات انجام شده، واضح است که مسئله هسته‌ای ایران در طی چندین سال گذشته به یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائل سیاست خارجی کشور تبدیل شده و نظرات مختلفی نیز از سوی پژوهشگران و تحلیل‌گران داخلی و بیرونی در مورد ابعاد مختلف آن (حقوقی، سیاسی و فنی) تاکنون به رشته تحریر درآمده است. آثاری که می‌توان آنها را در ذیل آثار حقوق‌محور (بررسی ابعاد حقوقی پرونده هسته‌ای ایران)، آثار تاریخ‌محور، آثار پیام‌محور (با تأکید بر پیامدهای هسته‌ای شدن ایران بر کشورهای منطقه) و در نهایت آثار انگیزه‌محور (با تأکید بر انگیزه‌های امنیتی متأثر از نظریه بازدارندگی هسته‌ای والتز، انگیزه‌های اقتصادی و انگیزه‌های هویتی در راستای تامین امنیت هستی‌شناسانه^۲ متأثر از نظریات سازه‌نگاری روابط بین‌الملل) طبقه‌بندی کرد^(۳).

از این‌رو در ادامه آثار گذشته این پژوهش با رویکردی کاملاً نظری به دنبال آن است تا به بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت اعتدال براساس مدل پیشنهادی تجزیه و

1. Geneva interim Agreement on Iranian Nuclear Program

2. Ontological Security

تحلیل سیاست خارجی (به‌عنوان نماینده تلفیق دو سطح تحلیل خرد و کلان) توسط جیمز روزنا پردازد. در واقع فرضیه اصلی این پژوهش آن است که برای فهم کامل سیاست هسته‌ای ایران در دوران دولت یازدهم، بایستی به طور همزمان هر دو دسته از عوامل داخلی و بیرونی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

از این‌رو ابتدا در مبحث اول این مقاله به بررسی اجمالی رهیافت‌های خرد و کلان در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها خواهیم پرداخت، سپس در مبحث دوم به ارائه چارچوب نظری بحث، یعنی مدل پیوستگی روزنا می‌پردازیم و در نهایت در فصل سوم از منظر این چارچوب نظری به بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت یازدهم خواهیم پرداخت. این پژوهش یک پژوهش تحلیلی توصیفی بوده و روش گردآوری اطلاعات در آن از طریق استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مجازی است.

۱. مروری بر رهیافت‌های خرد و کلان در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی

با بروز انقلاب رفتاری در دهه‌های ۵۰ و ۶۰، رشته روابط بین‌الملل^۳ در نتیجه یک شکاف درون رشته‌ای به دو بخش کاملاً متمایز سیاست بین‌الملل^۴ و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی^۵ با هویت‌هایی کاملاً متمایز تقسیم شد، که البته در مرکز این تقسیم‌بندی دولت^۶ قرار داشت که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، بر ویژگی‌های درونی آن به عنوان یک جعبه سیاه نگاه می‌شود تا رفتار دولت را به این وسیله توضیح دهد، در حالی که در سیاست بین‌الملل، به روابط آن با دیگر دولت‌ها و تعاملات حاصل از آن توجه می‌شد تا در نهایت بتواند صفات سیستم را توضیح دهد (Kubalkova, 2001:79-81). بنابراین، همراه با انقلاب رفتاری بود که رشته سیاست خارجی به عنوان رشته‌ای جدا از روابط بین‌الملل شکل گرفت و یک فضای خردگرا، کمی‌گرا و علم‌گرا بر آن حاکم شد. در این رشته تجزیه و تحلیل سیاست خارجی به‌عنوان فرایندی پیچیده و چندلایه تعریف می‌شود که هم شامل اهدافی است که دولت‌ها در روابط خود با دیگر دولت‌ها دنبال می‌کنند و هم شامل وسایل رسیدن به آنها است (هادیان، ۱۳۸۲، ص ۴۹-۵۱). در ادامه به طور مختصر به بررسی هریک از این رهیافت‌ها خواهیم پرداخت.

- **رهیافت خرد:** برخلاف رهیافت کلان و برداشت شباهت‌انگارانه آن از سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل، نویسندگان این رهیافت بر تأثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها و تفاوت‌های موجود در

3. International Relations (IR).

4. International Politics (IP).

5. Foreign Policy Analysis (FPA)

6. State

سیاست خارجی تأکید می‌کنند. به اعتقاد این دسته از تجزیه و تحلیل‌گران، تفاوت در رفتار کشورها حاکی از اهمیت ساختار داخلی است. در سطح خرد مهم‌ترین نظریه‌های موجود نظریه‌های تصمیم‌گیری^۷ است. به طور کلی نظریات تصمیم‌گیری را می‌توان با تمرکز بر سه سطح افراد تصمیم‌گیرنده شامل نظریات عقلایی^۸ (عقلانیت مطلق و بسنده)، نظریات شناختی^۹ و نظریات ترکیبی^{۱۰} سطح گروه‌های تصمیم‌گیرنده^{۱۱} و سطح دیوان‌سالاری‌ها (سازمان‌های اداری مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری)^{۱۲} تقسیم کرد^(۳).

۱-۱. تجزیه و تحلیل سیاست خارجی از منظر سطح خرد (نظریات تصمیم‌گیری)

الف) تمرکز بر افراد تصمیم‌گیرنده:

- نظریات عقلایی: با تأکید بر عقلانیت مطلق و یا بسنده بازیگران دخیل در فرایند تصمیم‌گیری و این که آنها با محاسبه سود و زیان و شناخت کافی از آلترناتیوهای موجود در حوزه سیاست خارجی می‌توانند به بهترین تصمیمات (عقلانیت مطلق) و یا قابل دسترس‌ترین تصمیمات (عقلانیت بسنده) برسند (Snyder, Burke and Spain, 1963).
- نظریات شناختی: با تأکید بر نقش باورها، برداشتها و سوءبرداشتهای توسط افراد تصمیم‌گیرنده از محیط در فرایند تصمیم‌گیری و همچنین تمرکز بر رهیافت‌های روان‌شناسانه در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها. جرویس و شاپیرو از جمله افرادی هستند که در تحلیل‌های خود از این سطح تحلیل استفاده می‌کنند (jervis 2006 و یا Shapiro 1973).
- ب) تمرکز بر گروه‌های تصمیم‌گیرنده: با تأکید بر نقش گروه‌های تصمیم‌گیرنده در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و همچنین توجه به عوامل ایجاد شکست‌ها و همچنین موفقیت‌های تصمیم‌های گروهی در فرایند تصمیم‌گیری. جنیس از جمله افرادی است که در این سطح از تحلیل کار کرده است (Janis 1972).
- ج) تمرکز بر دستگاه‌های دیوان‌سالارانه: با تأکید بر نقشی که بوروکراسی‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی به خصوص در اجرایی کردن آنها می‌توانند داشته باشند و همچنین توجه به محدودیت‌های رویه‌ای و عملی موجود در سازمان‌های بوروکراتیک تصمیم‌گیرنده. آلیسون و هالپرین از جمله افرادی هستند که در این سطح از تحلیل کار کرده‌اند (Allison and Halperin, 1972).

- رهیافت کلان: همان‌گونه که بیان شد، این رهیافت به کل نظام بین‌الملل اشاره دارد و نویسندگانی که در این سطح از تحلیل قرار می‌گیرند، بر مفاهیم و مفروضه‌های انتزاعی و کلی توجه بسیاری داشته و بر تأثیر ساختار بین‌الملل بر

سیاست خارجی دولت‌ها تأکید بسیاری می‌کنند. در این رهیافت کشورها به‌عنوان کنش‌گران اصلی نظام بین‌الملل، همچون توپ‌های بلیارد محسوب می‌شوند که ماهیت درونی آنها یکسان محسوب شده و بر چگونگی چرخش آنها بر روی میز بلیارد بین‌الملل تأثیری ندارد.

مهم‌ترین نظریه‌ای که در این رهیافت قرار می‌گیرد، نظریه ساختاری کنت والتز است. والتز در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل (۱۹۷۹) به تشریح واقع‌گرایی ساختاری خود می‌پردازد، به این معنا که به تبیینی ساختاری از سیاست بین‌الملل دست می‌زند. او با اشاره به این‌که علل جنگ را باید در سطح نظام جست، به طور کل توجه خود را از دولت‌ها و عوامل درونی آنها دور می‌کند. به نظر وی ساختار از طریق جامعه‌پذیری کنشگران و رقابت میان آنها باعث مشابهت‌های رفتاری‌شان در طول زمان می‌شود. بدین ترتیب ساختار مستقل از خصوصیات واحدها و تعاملات میان آنها رفتارشان را تعیین می‌کند. بدین ترتیب والتز با قدرتی که به ساختار می‌دهد، نمی‌تواند تفاوت‌ها را در سیاست خارجی دولت‌ها تبیین کرده و در مقابل نوعی از شباهت را در سیاست خارجی آنها بیان می‌دارد (Waltz 1979).

در نظریه وی متغیرهای ساختاری به عنوان عوامل محدودکننده اعمال دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی است و آنچه می‌بایست در دستورکار و مورد توجه این تصمیم‌گیرندگان در فرایند و هدایت سیاست خارجی باشد، توجه به قدرت نسبی دولت‌ها است؛ چراکه عدم توجه به قدرت می‌تواند باعث حذف یک دولت از نظام بین‌الملل و یا شکست‌های پی در پی وی در زمینه سیاست خارجی شود. والتز همچنین در نظریه خود قدرت را وسیله‌ای برای رسیدن به امنیت می‌داند و معتقد است که با توجه به معمای امنیتی که در نظام آنارشیک بین‌الملل وجود دارد، همه دولت‌ها به دنبال کالای نایاب امنیت‌اند، بدین ترتیب هدف اصلی سیاست خارجی برای همه دولت‌ها امنیت برای بقا است (Griffiths, 2007, p.13).

از نظر نواقح‌گرایان، ساختار نظام بین‌الملل در اکثر موارد اگر نگوییم همه موارد، تبیینی کافی برای تمام ابعاد روابط بین‌الملل از جمله سیاست خارجی است (Holsti, 2006, p.315). همچنین نواقح‌گرایان با تأکید بر مفهوم ساختار، بر این باورند که رفتارهای آینده یک کنش‌گر در سیاست خارجی، بستگی به تحولات ساختاری نظام بین‌الملل و دگرگونی جایگاه کنش‌گر در ساختار دارد (خسروی و میرمحمدی، ۱۳۹۳، صص ۷۴-۷۰). بنابراین عدم توجه این نظریه به چگونگی شکل‌گیری هویت و منافع دولت‌ها از یک‌سو و مادی‌گرا و جبرگرا بودن آن از سوی دیگر، باعث ناتوانی آن در ارائه یک نظریه سیاست خارجی و چگونگی شکل‌گیری ترجیحات دولت‌ها شده است (Kowert, 1997, p.45-49).

۲. مدل «پیوستگی جیمز روزنا» به‌عنوان مدل ترکیب دو سطح تحلیل سیاست خارجی

به‌طورکل تجزیه و تحلیل‌گرانی که در این سطح از تحلیل قرارمی‌گیرند، برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌های نظام بین‌الملل، از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان استفاده کرده و در حقیقت به دنبال پلی برای ارتباط میان این دو سطح هستند.

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که با ارائه پیش‌نظریه سیاست خارجی خود و همچنین مدل پیوستگی سیاست خارجی، زمینه را برای اتصال دو سطح تحلیل خرد و کلان فراهم کرده، جیمز روزنا است. در همین راستا وی در سطح تحلیل خرد به چهار عامل فرد، نقش، متغیرهای حکومتی و متغیر شخصیت فردی تصمیم‌گیرندگان، نقش، حکومت و عوامل اجتماعی توجه داشته و به این عوامل، عامل مهم محیط بین‌المللی را نیز در سطح کلان اضافه نموده است (Rosenau, 1971, p.98). در ادامه به‌طور خلاصه به بررسی این عوامل خواهیم پرداخت:

۱- **فرد:** خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان و نخبگان، یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها در عرصه نظام بین‌الملل است. این متغیر تمامی جنبه‌های تصمیم‌گیرندگان یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین وی را شامل می‌شود که گزینه‌های سیاست خارجی و یا رفتارش را از دیگر تصمیم‌گیرندگان متمایز می‌کند.

۲- **نقش:** مجموعه دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی از نقشی که تصمیم‌گیرنده اشغال می‌کند، ناشی می‌شود که البته تأثیر این عامل بدون در نظر گرفتن خصوصیات شخصیتی اشغال‌کنندگان نقش در نظر گرفته می‌شود.

۳- **متغیرهای حکومتی:** به جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره دارد که گزینه‌های سیاست خارجی را مقدر و یا محدود کرده و به‌طورکل بر آنها تأثیر می‌گذارد.

۴- **متغیر جامعه:** به آن دسته از جنبه‌های غیرحکومتی یک جامعه که بر رفتار سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد. در این زمینه می‌توان به جهت‌گیری‌های ارزشی عمده یک جامعه اشاره کرد که در محتوای آرمان‌های سیاست خارجی یک کشور مشارکت دارند.

۵- **متغیرهای محیطی و یا بین‌المللی:** شامل اتفاقات، محدودیت‌ها و مقدوریت‌های محیطی و بین‌المللی است که در خارج از یک جامعه و دولت رخ می‌دهد و گزینه‌های سیاست خارجی دولت‌ها و تصمیم‌گیرندگان آنها را محدود و یا مشروط می‌کند (Rosenau, 1971, pp.108-109).

بنابراین روزنا سعی کرده است در این مدل میزان نفوذ هریک از این عوامل داخلی و محیط بین‌المللی را در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی مورد ارزیابی قرار داده و در واقع نوعی زمینه برای تبیین علی را در سیاست خارجی فراهم آورد. در همین زمینه وی بیان می‌کند که عوامل ظاهری داخلی (فرد، نقش، حکومت و اجتماع) و همچنین عوامل محیط بین‌المللی، خود متغیرهای واسطه‌ای هستند که تابعی از عوامل بنیادی ساختار سیاسی-اقتصادی و اجتماعی کشورها و نوع سیاست آنها محسوب می‌شود.

این عوامل بنیادی عبارت‌اند از: **قدرت سیاسی** کشورها که از این لحاظ کشورها را می‌توان به دو دسته قدرت‌های بزرگ و کوچک تقسیم کرد. **قدرت اقتصادی** که کشورها را به دو دسته کشورهای به لحاظ اقتصادی پیشرفته و عقب افتاده تقسیم می‌کند. **ماهیت باز و یا بسته بودن ساختار اجتماعی** که نشان‌دهنده وجود و یا عدم وجود تغییر خودکار نخبگان جامعه در سطوح مختلف مدیریتی است. **رخنه‌پذیری و یا رخنه‌ناپذیری ساختار فرهنگی**، به این معنا که اگر جامعه‌ای به جریان دریافت اطلاعات از بیرون عکس‌العمل مثبت نشان دهد، جامعه‌ای باز و در غیر این صورت، جامعه‌ای بسته به حساب می‌آید. حوزه‌های موضوعی مختلف (Rosenau, 1971, p.110).

نگاره شماره (۱) - تأثیر متغیرهای دخیل در مدل پیش نظریه سیاست خارجی روزنا

کشور کوچک عقب افتاده به لحاظ اجتماعی بسته و رخنه‌ناپذیر فرهنگی	کشور بزرگ توسعه یافته به لحاظ اجتماعی باز و رخنه‌پذیر فرهنگی
فرد	نقش
نظام بین‌الملل	جامعه
نقش	حکومت
حکومت	نظام بین‌الملل
جامعه	فرد
نمونه چین کشور: غنا	نمونه چین کشور: ایالات متحده آمریکا

بر اساس آنچه در نگاره مشاهده می‌کنیم، طبق مدل روزنا تقدم و تاخر عوامل شکل‌دهنده به سیاست خارجی کشورهایی که توسعه یافته به لحاظ اجتماعی باز و رخنه‌پذیر فرهنگی هستند کاملاً متفاوت از کشورهایی است که کوچک، عقب افتاده به لحاظ اجتماعی بسته و رخنه‌ناپذیر فرهنگی هستند.

بعد از آشنایی با رهیافت‌های خرد و کلان در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها و همچنین رهیافت تلفیقی جیمز روزنا در مبحث نهایی این مقاله به بررسی مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دولت اعتدال خواهیم پرداخت.^(۴)

۳. مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال

براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا

در این مبحث از پژوهش برآنیم تا سیاست هسته‌ای دولت یازدهم را براساس نظریه میان‌برد جیمز روزنا مورد تجزیه و تحلیل قراردهیم. به طور کلی یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیاست خارجی کشورهای دارای توانمندی هسته‌ای و یا کشورهایی که خواهان کسب این توانمندی هستند، سیاست هسته‌ای آن کشورها است. سیاستی که می‌تواند در قبال درون‌دادهای محیطی و صادره از نظام بین‌المللی در قالب تقاضا و یا حمایت دارای ابعاد انطباق‌گرایانه و یا غیرانطباق‌گرایانه شود. به عبارت دیگر، نوع سیاست هسته‌ای را کنشی معین می‌کند که یک بازیگر دولتی از خود به عنوان برون‌داد در قبال درون‌دادها و تقاضای محیطی جامعه بین‌الملل بروز می‌دهد.

در همین زمینه بایستی بیان کرد که از زمان حساس شدن موضوع هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۲ به بعد و بررسی برون‌دادهایی که این کشور در دوران‌های مختلف سیاست خارجی از آن زمان تا به حال در مواجهه با درون‌دادهای محیطی از خود بروز داده است، می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست هسته‌ای ایران اگرچه به صورت سازگاری مطلق با درخواست‌های محیطی نبوده اما به صورت سازش‌ناپذیری مطلق نیز نبوده است؛ چراکه این کشور به برخی از تقاضاهای جامعه بین‌الملل از جمله ادامه عضویت در پیمان منع گسترش و یا بررسی پیشنهادها و شرکت در مذاکرات، پاسخ مثبت داده و به انطباق با محیط پرداخته هرچند که این انطباق از سر میل و رضایت نبوده باشد. از سوی دیگر، دامنه سیاست نسبتاً سازش‌ناپذیر ایران در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری نیز بسیار متفاوت بوده و اقدامات متفاوتی را نیز ایجاد کرده است. اگرچه در تمامی این دوره‌ها مقامات این دولت بر حق مسلم ایران در برخورداری از توانایی و تکنولوژی هسته‌ای و همچنین غنی‌سازی اورانیوم تأکید کرده و هرگونه سازش و عقب‌نشینی را در این ارتباط رد کرده‌اند (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰).

به هرحال فارغ از نوع سیاستی که در زمینه هسته‌ای دولت ایران در قبال جامعه بین‌المللی از خود بروز داده است، مسئله اصلی که این پژوهش درصدد بررسی آن می‌باشد، این است که با استفاده از متغیرهای خرد و کلان نظریه روزنا در بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت یازدهم، به چه عواملی باید توجه کرد. همان‌گونه که در مبحث قبل بیان کردیم، روزنا در مدل خود بر این باور است که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها پنج عامل نقش کلیدی دارند که در ادامه نقش هر یک را در بررسی سیاست هسته‌ای دولت اعتدال مورد بررسی قرار خواهیم داد.

فرد: در تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت اعتدال بیش از هر چیز باید بر نقش افراد تصمیم‌گیرنده اصلی در فرایند تصمیمات هسته‌ای و نقش باورها و فرایندهای شناختی و روانی آنها، درکشان از مقدرات و محذورات داخلی و بیرونی (محیط روانشناختی و محیط عملیاتی)، میزان تطابق باورها و شناختشان از محیط، چه داخلی و چه بیرونی توجه کرد. در واقع تصمیم‌گیری سیاست خارجی به آن دسته از انتخاب‌های فردی و گروهی اشاره دارد که در شکل‌گیری کنش‌های یک کشور تأثیر دارند (Renshon, 2008, p.511). در همین زمینه شناخت این باورها را می‌توان از روی کنش‌های گفتاری و اقدامات عملی این افراد کسب نمود. در همین زمینه حسن روحانی در کتاب خود با عنوان *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای* بر این نکته تأکید می‌کند این‌که چه کسی رئیس‌جمهور و یا مسئول تیم مذاکرات باشد، بسیار مهم است (روحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴).

بنابراین نوع برداشتی که این تصمیم‌گیرندگان اصلی از محیط درونی و بیرونی دارند، ادراکات آنها از دیگری (این دیگری می‌تواند غرب در کل و یا امریکا به طور خاص باشد) در قالب دوست، دشمن و یا رقیب بسیار می‌تواند در شکل‌دهی و جهت‌گیری سیاست هسته‌ای در زمینه تاکتیک‌ها و نه استراتژی کلی نظام در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای مؤثر باشد. به عنوان مثال حسن روحانی بر این باور است که قطع رابطه با کشورهای دیگر امکان‌پذیر نیست، قطع رابطه نه شدنی است نه امکان‌پذیر که انزوا حاصل شود و نمی‌توان کشور را از جهان جدا کرد. کلید حل معضلات تدبیر است، بنابراین دولت ایران می‌تواند با دنیای بیرون تعامل کند، حتی در زمینه هسته‌ای که یکی از حساس‌برانگیزترین و پر چالش‌ترین مباحث سیاست خارجی ایران در دهه گذشته بوده است (روحانی، ۱۳۹۲).

در همین چارچوب می‌توان این‌گونه بیان کرد که حسن روحانی و تمامی افراد مهم دیگر در فرایند تصمیم‌گیری هسته‌ای در کابینه وی، براساس ادراکات خود از محیط بیرونی و باورهای شخصی در تلاشند تا با برقراری تعادل و توازن میان تقابل بازدارنده، به عنوان دال مرکزی گفتمان ستیزش و تسلیم بازنده به عنوان دال مرکزی گفتمان سازش، تعامل سازنده را به عنوان دال مرکزی گفتمان اعتدال تعیین و هژمون نمایند (دهقانی فیروزآبادی و مهدی عطایی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵). در واقع تعامل سازنده را می‌توان بر مبنای مفاهیمی چون همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، احترام متقابل، منافع متقابل و تفاهم تعریف کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

در همین زمینه روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود بیان می‌کند که: ضروری می‌دانم در زمینه سیاست خارجی و مسئله هسته‌ای نکاتی را به عرض ملت ایران برسانم. سیاست دولت در

زمینه مسائل خارجی و از جمله مسئله هسته‌ای، سیاست اعتدال است، یعنی نه تسلیم و سازش و نه تقابل و درگیری (سخنرانی روحانی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۲).

۳-۱. مهم‌ترین افراد تصمیم‌گیرنده در موضوع هسته‌ای در دولت یازدهم

- ۱- دکتر حسن روحانی به عنوان رئیس قوه مجریه.
- ۲- اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای: تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران از زمان تشکیل در سال ۱۳۸۲ تاکنون از طرف جمهوری اسلامی ایران عهده‌دار مسئولیت مذاکرات دیپلماتیک درباره پرونده هسته‌ای ایران با کشورهای خارجی و نهادهای بین‌المللی بوده است. تیم مذاکره‌کننده از دو گروه تشکیل شده است. گروه اول شامل مدیران با سابقه وزارت امور خارجه است که مسئولیت مذاکره را برعهده دارند و گروه دوم، شامل تعدادی از کارشناسان وزارت امور خارجه، سازمان انرژی اتمی و نهادهایی چون وزارت اطلاعات است که مقام مشورت دهنده را برعهده دارند.
- ۳- محمدجواد ظریف به عنوان رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دولت ایران و وزیر امور خارجه.
- ۴- سید عباس عراقچی به عنوان مذاکره‌کننده ارشد.
- ۵- علی شمخانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی.

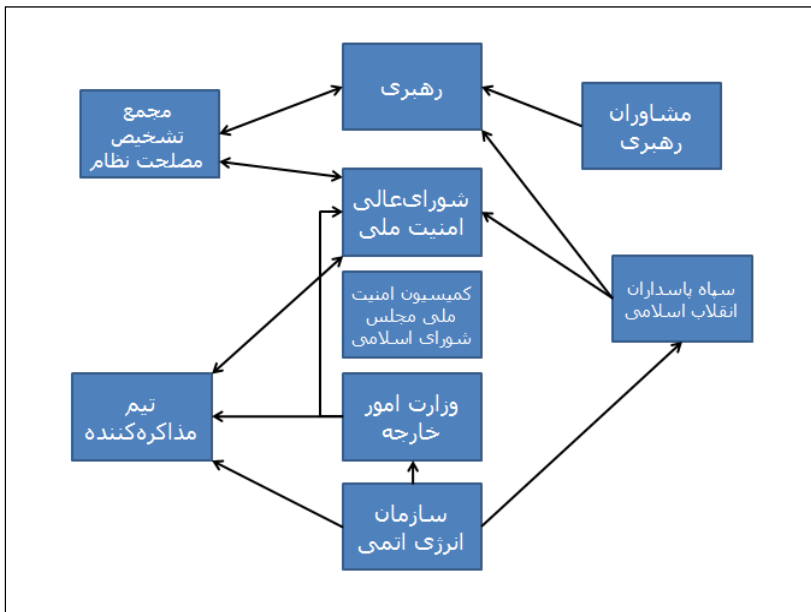
نقش: روزنا در وهله دوم بر این باور است که نقشی که تصمیم‌گیرندگان اصلی سیاست خارجی اشغال می‌کنند، مثل نقش ریاست‌جمهوری، نقش وزیر امور خارجه و... می‌تواند به عنوان یکی از سطوح اصلی در سطح خرد مورد توجه قرارگیرد. در زمینه بررسی سیاست هسته‌ای دولت اعتدال نیز از این منظر می‌توان بر نقش‌های درگیر در این فرایند بدون در نظر گرفتن خصوصیات فرد و یا افرادی که آن را اشغال می‌کنند، اشاره کرد. به عنوان مثال نقش رئیس‌جمهور و حدود اختیارات و وظایف وی در زمینه سیاست‌گذاری هسته‌ای، نقش وزیر امور خارجه، تیم مذاکره‌کننده و یا نقش دبیر شورای عالی امنیت ملی و اختیاراتی که این نقش‌ها با توجه به اصول قانون اساسی در زمینه سیاست‌گذاری هسته‌ای دارند. در همین زمینه به گفته مهدی محمدی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در دوران سعید جلیلی، در هیچ‌یک از دوره‌های مختلف، تیم مذاکره‌کننده سیاست‌گذار نبوده است و مذاکره‌کنندگان فقط مجربانی هستند که سیاست‌ها را تبدیل به دیپلماسی می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷).

از سوی دیگر عامل نقش در نظریه روزنا را می‌توان با نهادهای فعال در سیاست خارجی نیز مرتبط دانست. در همین راستا می‌توان این‌گونه بیان کرد که ما در فرایند سیاست‌گذاری خارجی با دو دسته از نهادهای فعال روبه‌رو هستیم: دسته اول نهادها و یا نقش‌هایی هستند که

طبق قوانین و رویه‌های جاری کشورها نقشی نسبتاً باثبات و مستمر در سیاست‌گذاری خارجی دارند و دسته دوم نهادها و یا نقش‌هایی هستند که متناسب با موضوعات و مسایل خاص سیاست خارجی، وارد فرایند سیاست‌گذاری خارجی می‌شوند. به عنوان مثال در زمینه سیاست هسته‌ای دولت ایران، نهادهایی مثل سازمان انرژی اتمی و یا تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای از جمله نقش‌ها و یا نهادهایی هستند که صرفاً به دلیل قرابت تخصصی با مسئله هسته‌ای وارد فرایند سیاست‌گذاری در این حوزه شده‌اند.

در شکل زیر به مهم‌ترین نقش‌های درگیر در فرایند سیاست‌گذاری هسته‌ای در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

نمودار شماره (۱) - مهم‌ترین نقش‌های درگیر در فرایند سیاست‌گذاری هسته‌ای



نظام سیاسی یا متغیرهای حکومتی که به جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره دارد، گزینه‌های سیاست خارجی را مقدور و یا محدود کرده و به طور کل بر آنها تأثیر می‌گذارد. در این سطح از تحلیل باید برای شناخت و تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت اعتدال، به نوع نظام سیاسی حاکم بر ایران و تعریفی که این نظام از هویت و نقش خود در ارتباط با دنیای بیرون ارائه می‌دهد، توجه کنیم. در همین زمینه برونینگ در پژوهش خود نشان می‌دهد که تفاوت در برداشت از نقش ملی، حتی در ملت‌هایی که بسیار شبیه به یکدیگر هستند، منجر به تفاوت در نهادسازی و سیاست‌گذاری ملی می‌شود (Breuning, 1997, p.198). نظریه هالستی

نیز در باره برداشت از نقش ملی^{۱۳} هم‌زمان دربرگیرنده محیط روانشناختی و اجتماعی تصمیم‌گیری است. منظور وی از این اصطلاح پندار و برداشت نخبگان ملی از نقش و جایگاه خود در عرصه بین‌المللی است؛ چراکه این قشر از اهمیت و تأثیر بیشتری بر شکل‌دهی به سیاست خارجی برخوردارند.

در همین راستا با توجه به مبانی هویتی شکل‌دهنده به هویت ایران در سطح معنایی و اصول قانون اساسی، می‌توان دریافت که دولت ایران، دولتی کاملاً اسلامی و انقلابی است که با توجه به مبانی ایدئولوژیک و اسلامی خود، نقش‌های متفاوتی برای خود از جمله دولت غیرمتعهد و مستقل، دولت عدالت‌جو و ظلم‌ستیز در صحنه نظام بین‌المللی تعریف کرده است. اما نخبگان سیاست خارجی در هر دولتی با توجه به گفتمان خاص حاکم می‌توانند از این نقش‌های تعریف شده تفسیرهای نسبتاً متفاوتی ارائه دهند (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰). به عنوان مثال نخبگان سیاست خارجی دولت یازدهم با تفسیر نسبتاً ملایم از هویت انقلابی-اسلامی دولت ایران، نقش‌های هویتی این کشور را متفاوت‌تر تعریف می‌کنند. به عنوان مثال دولت ایران به عنوان یک دولت عزت‌طلب، سلطه‌جو و ظلم‌ستیز نمی‌تواند نابرابری هسته‌ای را در سطح نظام بین‌الملل بپذیرد، اما در عین حال می‌تواند با تکیه بر عنصر اعتماد با دنیای بیرون، در جهت احقاق حقوق هسته‌ای تعامل کند.

متغیر جامعه شامل جنبه‌های غیرحکومتی، افکار عمومی و جهت‌گیری‌های ارزشی عمده است. در این سطح از تحلیل نیز در بررسی سیاست هسته‌ای دولت اعتدال باید به جهت‌گیری‌های ارزشی مردم ایران نسبت به موضوع هسته‌ای توجه داشت. این‌که افکار عمومی بر حقوق کامل خود در زمینه هسته‌ای پافشاری کنند و در این راه حتی حاضر به تحمل تحریم‌ها باشند و یا برعکس این حالت خواهان سازش با غرب و لغو تحریم‌ها شوند و به جای تأکید بر امنیت هستی‌شناسانه و هویتی خود، به امنیت فیزیکی و اقتصادی توجه کنند، تأثیر بسیار زیادی بر جهت‌گیری‌های هسته‌ای خواهد داشت.^(۵) در همین زمینه روزنامه لس‌آنجلس تایمز در یکی از مطالب خود که اختصاص به دیدگاه ایرانیان در خصوص موضوع هسته‌ای دارد، نوشته است که مقاومت در قبال غرب در موضوع هسته‌ای، به مسئله‌ای مرتبط با غرور ملی ایرانیان تبدیل شده است (تحلیل روزنامه امریکایی از دیدگاه ایرانیان در موضوع هسته‌ای، ۱۳۹۳).

در همین زمینه هادسون در یکی از پژوهش‌های خود به نقش چشم‌انداز و افق دید (تصورات) شهروندان در ساخته شدن معنا و بازنمایی از سیاست خارجی اشاره کرده است. از

نظر وی، چشم‌اندازهای مختلفی در درون هر فرهنگ ملی وجود دارد و هرکدام از این چشم‌اندازها بازنمایی متفاوتی از سیاست خارجی و مسایل مربوط به آن دارند. به نظر هادسون درک این‌که ما چه کسی هستیم، به طور مستقیم به فهم ما از آن‌چه باید انجام دهیم، تأثیر می‌گذارد (Hudson, 1999).

متغیر محیطی: همان‌گونه که بیان شد، روزنا در بیان سطوح مختلف در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، در کنار سطوح خرد به نقش عامل محیطی و بیرونی در قالب مقدرات و محذورات محیطی به عنوان سطح تحلیل کلان اشاره می‌کند. بنابراین در این سطح از تحلیل نیز در بررسی سیاست هسته‌ای دولت اعتدال، باید به نقش عوامل محیطی شامل توزیع قدرت در نظام بین‌الملل (قطبش)، توزیع قدرت در منطقه‌ای که ایران در آن قرار گرفته است، الگوهای دوستی و دشمنی حاکم بر این دو سطح، ادراکات دولت‌های منطقه‌ای و غربی (به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل) از دولت ایران به طور کل و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور به طور خاص، هم‌پیمانان دولت ایران در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، جهت‌گیری‌های دولت‌های چین و روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و نقشی که آنها در فرایند مذاکرات و تصمیم‌گیری‌ها می‌توانند ایفا کنند و... همه و همه می‌تواند در تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت اعتدال و جهت‌گیری آن موثر واقع شود. به عنوان مثال تلاش دولت یازدهم در تنش‌زدایی با همه همسایگان منطقه‌ای به خصوص عربستان و ایجاد رابطه با این کشورها و یا تلاش برای بهبود رابطه با دولت‌های غربی از جمله امریکا می‌تواند تلاشی در جهت افزایش مقدرات محیطی و از میان بردن محذورات در این سطح تلقی شود که نتیجه آن می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم محیطی در سیاست هسته‌ای دولت ایران موثر بوده و مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد. در واقع این‌که دیگری موجود در محیط بیرونی، خود را (مقصود دولت ایران است)، دوست، رقیب و یا دشمن بازنمایی کند، تأثیر بسیار زیادی بر روابط میان آنها دارد (ونت، ۱۳۸۶).

بنابراین با توجه به عوامل و متغیرهایی که در بالا به آن اشاره شد، می‌توان به این نتیجه رسید که در تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای هر دولتی از جمله ایران، تنها توجه به یک عامل آن هم فقط در یک سطح به هیچ‌وجه کافی نیست و نمی‌تواند ما را در فهم کامل مسئله یاری رساند. بنابراین باید تمامی عوامل در هر دو سطح خرد و کلان مورد بررسی و توجه قرارگیرند. همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، در شکل‌گیری و جهت‌گیری سیاست هسته‌ای دولت ایران، تمامی عوامل یادشده مهم و دارای تأثیرات خاص خود هستند که البته ما در این مقاله به تأثیر نقش آنها در دولت یازدهم اشاره کردیم.

فرجام

موضوع هسته‌ای به عنوان مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه گذشته بوده است. در همین زمینه انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه ۱۳۹۲، منجر به تحول گفتمانی در موضوع هسته‌ای شد. در این انتخابات حس روحانی به عنوان حامل گفتمان اعتدال و یا اعتدال‌گرایی، توانست در جهت‌گیری هسته‌ای کشور تغییراتی را ایجاد کند. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت یازدهم (اعتدال)، براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا به عنوان نماینده تلفیق دو سطح تحلیل خرد و کلان بود. در همین زمینه روزنا بر این باور است که در بررسی و تحلیل سیاست خارجی هر کشوری بایستی به پنج دسته متغیرهای اصلی فرد، نقش، حکومت، جامعه و در نهایت نظام بین‌الملل توجه شود. در این چارچوب، ما ابتدا در مبحث اول این مقاله به بررسی اجمالی رهیافت‌های خرد و کلان در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها پرداختیم، سپس در مبحث دوم مدل پیوستگی روزنا را مورد بررسی قرار دادیم، سپس در مبحث پایانی این مقاله با در نظر گرفتن عوامل موجود در هر دو سطح خرد و کلان، به بررسی عوامل موثر در شکل‌دهی به سیاست هسته‌ای ایران در دوران دولت اعتدال پرداختیم. در این مبحث بیان کردیم که در راستای فهم کامل این سیاست هسته‌ای باید به نقش افراد تصمیم‌گیرنده و باورهای ذهنی آنها (برداشت‌های حسن روحانی، ظریف و تیم مذاکره‌کننده)، نقشی که آنها ایفا می‌کنند (نقش ریاست جمهوری، وزیر امور خارجه و...)، نوع نظام سیاسی و برداشت از نقش آن (نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر عنصر اسلامیت)، جامعه (نقش افکار عمومی و جهت‌گیری‌های ارزشی عمده) و در نهایت متغیرهای محیطی در عرصه نظام بین‌الملل توجه کنیم.

در نهایت به این نتیجه رسیدیم که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی (سیاست هسته‌ای به عنوان بخشی از سیاست خارجی) هر دولتی از جمله ایران تنها توجه به یک عامل، آن هم فقط در یک سطح به هیچ‌وجه کافی نیست و نمی‌تواند ما را در فهم کامل مسئله یاری رساند. در این مقاله سعی شد بیان شود که در تحلیل سیاست خارجی باید دارای نگرش چندعلیتی بود و تمامی متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری سیاست خارجی را در تمامی سطوح مختلف تحلیل شناسایی کرد. ما در این مقاله با تکیه بر نظریه روزنا سعی کردیم رویکرد کارگزار محوری را در کنار رویکرد ساختار محوری قرار دهیم تا بتوانیم فهم کامل‌تری از شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم داشته باشیم.

پانوشتها

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: متن توافق نامه ژنو به زبان اصلی ۱۳۹۳.
۲. برای اطلاعات بیشتر درباره ادبیات موجود در زمینه هسته‌ای شدن ایران بنگرید به: رسولی ثانی‌آبادی ۱۳۹۱: ۶۰۵-۵۸۵.
۳. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: عطایی و رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹، صص ۲۱۱-۲۱۲.
۴. لازم به ذکر است در این مقاله نویسندگان فقط به تأثیر این عوامل (از سطح خرد به کلان) فارغ از تقدم و تأخرشان در شکل‌گیری سیاست خارجی ج.ا.ایران خواهند پرداخت.
۵. برای مطالعه بیشتر در مورد امنیت هستی‌شناسانه بنگرید به: رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۴-۱۳۵.

منابع فارسی

- تحلیل روزنامه امریکایی از دیدگاه ایرانیان در موضوع هسته‌ای در www.tabnak.ir (۹۱۳۹۳/۹).
- خسروی، علی‌رضا و مهدی میرمحمدی (۱۳۹۳)، "مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی"، تهران: *مطالعات راهبردی*.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲)، "سیاست تعادل و توازن"، *همشهری دیپلماتیک*، ش ۷۴، صص ۱۹-۱۲.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و مهدی عطایی (۱۳۹۳)، "گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۷، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۷.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۸۹)، "حفظ امنیت هستی‌شناسانه و سازش‌ناپذیری ایران در سیاست هسته‌ای"، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۳.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰)، *هویت و سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران*، تهران: ابرار معاصر.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۱)، "موضوع هسته‌ای ایران: بررسی دیدگاه‌ها و ادبیات موجود"، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۶، پاییز، صص ۶۰۶-۵۸۵.
- روحانی، حسن (۱۳۹۲)، *ما از افراط‌گری و خودسری به دور هستیم*، در www.isna.ir (۱۳۹۳/۱۱/۱۵).
- عطایی، فرهاد و الهام رسولی ثانی‌آبادی (۱۳۸۹)، "بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، ش ۳، صص ۲۲۶-۲۰۹.
- "متن کامل توافق‌نامه ژنو به زبان اصلی" (۲۴ نوامبر ۲۰۱۳)، مترجم: وزارت امورخارجه ایران، در www.mfa.ir (۱۳۹۳/۱۰/۱۴).
- محمدی، مهدی (۱۳۹۲)، "محاسبه استراتژیک: جلیلی براساس سیاست‌های راهبردی نظام عمل کرد"، *مهرنامه*، سال چهارم، ش ۳۲.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۶)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، مترجم: حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، "سازمان‌نگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی"، *فصلنامه سیاست خارجی*، ش ۴، صص ۷۰-۴۵.

منابع لاتین

- Allison, Graham and Morton Halperin (1972), "Bureaucratic Politics: A paradigm and some Policy Implications", *World Politics*, Vol 24, pp 40-79 .
- Griffiths, M (2007), *International Relations Theory for the 21 Century*, London and New York: Routledge.
- Holsti, Ole (2006), *Making American Foreign Policy*, London: Routledge.
- Hudson, V.M (1999), "Cultural Expectations of Ones and Other Nations", *Political Psychology*, Vol 20, pp 767-802.
- Janis, Irving L (1972), *Group Think*. Boston: Houghton Mifflin Company.
- Jervis , Robert (2006), "Understanding Belief", *Political psychology* , Vol 27 , No 5 ,pp 641-659.
- Kowert , Paul (1997), "Toward a Constructivist Theory of Foreign Policy", *Paper presented at the Annual Meeting of American Politics*, Science Association, DC.
- Kubalkova, V (2001), Foreign Policy in a Constructed International Politics in a constructed world. Armonk: M.E Sharpe.
- Renshon, J (2008), "The Theory and Practice of Foreign Policy Decision Making", *Political Psychology*, Vol 29, No 4, pp 509-536.
- Rosenau , J (1971), *The Scientific Study of Foreign Policy*. New York: The Free Press.
- Rosenau, J (1972), *The Analyses of International Politics*. New York: The Free Press.
- Shapiro, Michael (1973), "Cognitive Process and Foreign Policy Decision Making", *International Studies*, Vol 17, No 2, pp 147-170.
- Snyder, R, Burke, H and B Spain (1963), Foreign Policy Decision Making: an Approach to the Study of International Politics. Glencoe, IL: the Free Press.
- Waltz, K (1979), *Theory of International Politics*, London: Addison-Wesley.
- Waltz, K (1988), The Use of Force, *Military power and International Politics*, New York: University press of America.